



The mirage of theses defense sessions A reflection on Iran's academic culture through defense meetings

Jabbar Rahmani ¹

1. Associate Professor of Anthropology, Institute for Social and Cultural Studies. E-mail: Rahmani@iscs.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 22 February 2021;

Received in revised form: 18
November 2021;

Accepted: 25 February 2023;

Published online: 12 March
2023

Keywords:

Academic Communities,

University, Defense

Meetings, Rites of passage,

Production of Science,


Scientific Mirage

ABSTRACT

Thesis presentation meetings are an important part of the academic system and the processes of educating students and new generations of academics. These meetings are, in a sense, part of the rituals that the new generation of academics through transitions claim to achieve a relative maturity in scientific understanding and insight. What we consider in this article is the quality of these meetings and the processes that make up its content. From this perspective, I have attempted, based on my own experience of defense meetings during the last eight years, as well as conversations with my colleagues, to look at dissertation defense meetings in master and doctoral degrees in social sciences and art research, and in specific cases in the fields of urban planning and architecture. The findings show that these sessions are more than just a mechanism for socializing students in terms of social relationships and status among college professors, rather than being rituals for internalizing students' scientific insights. It is in this context that each of the main actors, namely tutors, counselors, referees, and students, strives to have the least academic impact and the highest degree of prestige of social capital for their future. Therefore, in the light of favorable norms of science and scientific communities, it can be said that defense meetings are more like a scientific mirage than a serious transition ritual for the education of a new generation of scholars and researchers.

Cite this article: Jabbari, R. (2022). The mirage of theses defense sessions A reflection on Iran's academic culture through defense meetings. *Sociological Review (Social Science Letter)*, 29 (2), 149-162.

سراب جلسات دفاع از پایان‌نامه‌ها تأملی بر فرهنگ دانشگاهی ایران از خلال جلسات دفاع

جبار رحمانی^۱ 

۱. دانشیار انسانشناسی، موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، رایانامه: Rahmani@iscs.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	جلسات دفاع، یکی از بخش‌های مهم و کلیدی نظام‌های دانشگاهی و فرایندهای تعلیم و تربیت دانشجویان و نسل‌های جدید دانشگاهی هستند. این جلسات به تعبیری بخشی از آیین‌های گذاری هستند که نسل جدید دانشگاهی به‌واسطه گذار از آن مدعی رسیدن به یک بلوغ نسبی در فهم و بینش علمی است. آنچه در این مقاله مد نظر ماست، کیفیت این جلسات و فرایندهای برساننده آن است. از این منظر تلاش کرده‌ام به شیوه‌ای مردم‌نگارانه برحسب تجربه‌های زیسته خودم از جلسات دفاع طی هشت سال اخیر و همچنین مصاحبه‌ها و گفتگوهایی با اساتید و دانشجویانی که جلسه دفاع داشته‌اند، نگاهی به جلسات دفاع از رساله در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های علوم اجتماعی و پژوهش هنر و در موارد خاصی در رشته‌های شهرسازی و معماری داشته باشم. یافته‌ها نشان می‌دهد این جلسات بیش از آنکه آیین‌های گذاری برای درونی‌سازی بینش علمی در دانشجویان باشند، بیش از همه مکانیسمی برای جامعه‌پذیری دانشجویان برحسب مناسبات اجتماعی و قدرت در میان اساتید دانشگاهی هستند. در این شرایط است که هرکدام از کنشگران اصلی یعنی استادان راهنما، مشاور و داور و دانشجویان، تلاش می‌کنند در این میانه کمترین ضربه علمی و منزلتی و بیشترین انتفاع منزلتی را داشته باشند؛ بیشتر تلاش می‌کنند سرمایه‌های اجتماعی‌شان را تقویت کرده یا توسعه بدهند. از این‌رو برحسب هنجارهای مطلوب علم و اجتماع علمی، می‌توان گفت جلسات دفاع بیشتر به یک سراب علمی شبیه هستند تا یک آیین گذار جدی برای تربیت نسل جدید محققان و اندیشمندان.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۸/۲۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱	
کلیدواژه‌ها: اجتماع علمی، دانشگاه، جلسات دفاع، آیین‌های گذار و تولید علم، سراب علمی	

استناد: : رحمانی، جبار؛ (۱۴۰۲). سراب جلسات دفاع از پایان‌نامه‌ها تأملی بر فرهنگ دانشگاهی ایران از خلال جلسات دفاع. *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)*، ۲۹ (۲)، ۱۴۹-۱۶۲.

۱. مقدمه: مسئله‌مندی جلسات دفاع از رساله‌ها

جلسات دفاع پایان‌نامه، یکی مهم‌ترین نقاط عطف نظام دانشگاهی در تحصیلات تکمیلی است، که دانشجوی پس از طی دوران کارشناسی ارشد یا دوره دکتری، در آخرین مرحله و پس از نوشتن پایان‌نامه‌ای که بیانگر کفایت دانش و بینش و مهارت او در آن علم و حوزه تخصصی است، برگزار می‌شود. جلسات دفاعیه، به‌طور نمادین بیانگر مرحله‌ای است که منزلتی دانشگاهی که دانشجوی به‌دنبال آن است، بدو اعطا می‌شود. منطق کلی سناریوی فرایند تحصیلات تکمیلی این‌گونه است که دانشجوی پس از طی دروسی که مقدمه رشد حرفه‌ای و دانشگاهی او هستند، ذیل نظر یک استاد راهنما و یک یا دو استاد مشاور، یک پژوهش تخصصی در زمینه‌ای از رشته دانشگاهی‌اش می‌نویسد که می‌خواهد بعدها مدعی تخصص در آن زمینه شود. پس از اتمام این رساله، در حضور داورانی که گروه دانشگاهی آن را تعیین می‌کند، به ارائه کار خودش می‌پردازد. به‌طور خاص، در مقطع دکتری این جلسات در دو مرحله برگزار می‌شود، پیش‌دفاع و دفاع. روال بر این است دانشجویی که رساله دکتری‌اش را می‌نویسد، برای رسیدن به مرحله پیش‌دفاع، می‌بایست حداقل دو مقاله علمی-پژوهشی همراه با اسم استادان راهنما و مشاور منتشر کند. در جلسات دفاع صرفاً مسئله آموزشی مطرح نیست، بلکه به تعبیری دیگر، جلسات دفاع نیز برنامه درسی پنهان خودشان را دارند؛ زیرا در رابطه میان استاد راهنما و دانشجوی مجموعه‌ای از تجارب شکل می‌گیرد که در ایجاد شخصیت علمی و دانشگاهی دانشجویان بسیار اهمیت دارد. تجربه‌های جهانی نشان داده که مواجه شدن با استادان راهنما، بی‌توجهی‌های آنها و بی‌تفاوتی‌هایشان، معمولاً حسی از تحقیر و حقارت را به‌وجود می‌آورد. لذا تجربه استاد راهنما بالاخص وقتی که آشنایی قبلی عمیقی وجود ندارد، تجربه تلخ و تحقیرآمیزی است. به همین دلیل فرایند انتخاب و انجام کار رساله ذیل نظر استاد راهنما، یکی از نقاط عطف کلیدی در برنامه درسی پنهان است که در جامعه‌پذیری ضمنی دانشجویان بسیار مهم است. درنهایت باید پذیرفت که تجربه نوشتن یک رساله دانشگاهی که اساساً در موفقیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی بسیار مهم است، یک پدیده دیرفهم، مرموز و مبهم است و در زیر کوه یخ برنامه درسی پنهان قرار دارد (مارگولیس، ۱۳۹۴: ۱۰۰). هرچند در حالت آرمانی، الگوهای خیلی موسعی از وظایف استاد راهنما مطرح شده است.

مسئله اصلی آنست که در این جلسات دفاع در عمل چه اتفاقی می‌افتد و آنچه که ماحصل تعاملات دانشجوی، استادان راهنما، مشاور و داور و گاه نماینده دانشگاه و حاضران در جلسه است، چه مختصاتی را از سازمان اجتماعی و فرهنگی دانشگاه ایرانی و فرهنگ علم در ایران نشان می‌دهد. در این مقاله به‌دنبال بررسی این مسئله هستیم که چه اتفاقی در این فضای آیینی جلسات دفاع می‌افتد؟ زیرا آیین‌های کلیدی در هر نظام اجتماعی، از جمله نظام دانشگاهی، مختصات اصلی آن اجتماع و فرهنگ آن را نشان داده و به نسل بعدی منتقل می‌کند. از این منظر این مقاله به دنبال توصیفی فرجه از این آیین نمادین در نظام اجتماعی دانشگاه است. مسئله من رویکردهای تاریخی به وضعیت دانشگاه و نهاد علم در ایران نیست، که پیش‌تر محققان بسیاری بدان پرداخته‌اند و از منظر جامعه‌شناسی تاریخی این مسئله را تحلیل کرده‌اند (ر.ک: فراستخواه، ۱۳۹۵ و افروغ، ۱۳۹۵ و آزاد، ۱۳۹۶)؛ مسئله محوری این مقاله خوانشی انتقادی و مردم‌نگارانه از جلسات دفاع است. اینکه در این جلسات، تعاملات بین افراد اصلی آن و همچنین نتیجه نهایی چگونه شکل می‌گیرند؟

۲. جلسات دفاع به‌مثابه آیین‌های تشریف

جلسات دفاع از رساله‌ها را می‌توان نوعی آیین دانست که فرد را به موقعیتی بالاتر ارتقا می‌دهند. از این منظر این جلسات، یک آیین گذار و به بیان دقیق‌تر، آیین تشریف هستند. آیین‌های گذار در نظام‌های فرهنگی، آیین‌هایی هستند که متضمن تغییر منزلت و هویت نسل جدید هستند. در این آیین‌ها، از خلال شرایط سخت و دشوار و به‌واسطه نظارت و مداخله بزرگان آن اجتماع، فرد نوآموز با گذار

از مراحل سخت و با تحمل مشقت‌های فراوان به یک فرد و عضو جدید بالغ در اجتماع موردنظر تبدیل می‌شود. این آیین‌ها به‌طور سنتی شامل مراحل سخت و گاه حاوی خشونت‌های نمادین و واقعی متعدد هستند (ر.ک: الیاده، ۱۳۹۵). هسته بنیادی محتوا و پیامدهای آیین‌های تشریف عبارت‌اند از کسب نوعی ادراک و رازآموزی شهودی به باورهای بنیادین یک فرهنگ، پذیرش موقعیت و مسئولیت اجتماعی جدید برای فرد (تبدیل شدن به یک فرد بالغ در جامعه)، انتقال بینش اساطیری آن جامعه و باورهای مقدس به اینکه خدایان و قهرمانان نخستین چه کرده‌اند و ما باید چگونه باشیم و درنهایت، تحول روحی و معنوی خود فرد به‌واسطه مواجهه با اساطیر و اجرای آنها در طی آیین تشریف. اصولاً در جوامع می‌توان سه دسته کلی از آیین‌های تشریف را بازشناسی کرد: ۱- مراسم و آیین‌های تشریف دسته‌جمعی، مثلاً آیین‌های بلوغ برای نوجوانان کل یک قبیله یا خاندان و ...؛ ۲- آیین‌های تشریف به انجمن‌های سری و مخفی که گاه تک‌جنسیتی یا گاه مختلط هستند و ۳- آیین‌های تشریف فردی که معمولاً در سنت‌های مذهبی عرفانی و شمنی می‌توان آن را دنبال کرد. از خلال تجربیات آیینی، نوآموز صرفاً به تکرار داستان خلقت اولیه نمی‌پردازد، بلکه علاوه بر تکرار خلقت متعالی انسان (برای خروج از جهان کودکی و ورود به جهان انسانی و مذهبی)، به او چگونه بودن و الگوهای انگیزشی و بینشی خاصی برای تعیین مسیر فرد مشرف‌شده در جامعه و جهان پیرامونی می‌دهد. (همچنین ر.ک: شاپیرو، ۱۳۹۶) نکته اصلی در این آیین‌ها آنست که رازهای اساسی فرهنگ، نباید بیهوده در دسترس همه قرار بگیرند، زیرا قبل از هرچیز بنیان‌های فرهنگ سست خواهند شد.

می‌توان کلیت فرایند رساله‌نویسی را آیین تشریف دانست که متضمن مرحله میانی در آستانه مرحله نهایی و تولد مجدد جامعه است؛ یعنی رساله نوشته‌شده در آخرین مرحله آزمون قرار می‌گیرد و بعد از آن دانشجو در مقامی جدید به‌عنوان کارشناس ارشد یا دکتر وارد جامعه دانشگاهی می‌شود. در این مقاله به فرایند جدایی و بخش‌های اولیه مرحله میانی توجهی نخواهیم کرد.

۳. روش‌شناسی: مردم‌نگاری جلسات دفاع

در این مقاله از روش مردم‌نگاری استفاده شده است. مردم‌نگاری یک روش برای جمع‌آوری داده‌ها نیست بلکه یک ساختار و سبک پژوهشی است و به‌واسطه موضوعات خودش که متضمن فهم معنای اجتماعی و فعالیت‌های مردم در یک میدان مشخص است و همچنین به‌واسطه رهیافت خاص خودش که شامل پیوند نزدیک با و بعضاً مشارکت در زندگی مردم مورد مطالعه است، ویژگی‌های خاص خودش را پیدا می‌کند. تعریف مردم‌نگاری را می‌توان در دو حیطه محدود و خاص یا گسترده تعریف کرد. در تعریف گسترده و وسیع، مردم‌نگاری به‌مثابه یک روش کیفی تعریف می‌شود به عبارتی مردم‌نگاری به‌عنوان یک پرسپکتیو و منظر در تحقیق است تا خود انجام آن تحقیق. برای این مقاله داده‌های اصلی میدانی را از طریق مشاهدات مردم‌نگارانه‌ای که ناشی از حضور من در جلسات دفاع از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸، عمدتاً به‌عنوان داور (حدود ۶۳ جلسه داوری در این مدت)، گاه مشاور (برای ۱۴ رساله) و راهنما (یک رساله دکتری و ۱۱ رساله ارشد) بوده، به‌دست آورده‌ام که تقریباً اکثریت آنها (۴۳ مورد) در رشته علوم اجتماعی بوده اما در رشته‌های پژوهش هنر، هنر اسلامی (۱۸ مورد)، شهرسازی (۱ مورد)، تاریخ (۱ مورد) نیز بوده است و تجربیات من در دانشگاه‌های تهران، خوارزمی، هنر، علم و فرهنگ، اصفهان و هنر اصفهان، تهران مرکز، علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد واحد دهقان، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی بوده است. با توجه به حساسیت موضوع، عملاً امکان ارائه مختصات دقیق جلسات دفاع و رشته‌ها و استادان نیست؛ اما تلاش کرده‌ام به شیوه مردم‌نگاری سنتی و بیشتر تحلیلی این تجربه‌ها را بازگو کنم. بخش‌هایی از ایده‌ها را نیز با برخی استادان علوم اجتماعی و علوم انسانی به گفتگو گذاشته‌ام تا درک و فهم آنها را از این ماجرا با ایده‌های خودم مقایسه کنم. همچنین با دانشجویان مختلفی در مورد تجربه‌هایشان از استادان بنام یا استادان عادی درخصوص

نحوه راهنمایی و نحوه برگزاری جلسات دفاع صحبت کرده‌ام. تلاش کرده‌ام از منظر این جلسات دفاع، نگاهی به برخی ابعاد پنهان و آشکار در نهاد دانشگاه داشته باشم. داده‌هایی که مبنای تألیف این مقاله هستند را می‌توان در سه دسته قرار داد: ۱. داده‌های حاصل از تجربه مشاهده مشارکتی من در جلسات دفاع در این مراکز آموزش عالی؛ ۲. داده‌های حاصل از مشاهده رفتارها و روابط آشکار و گاه روابط نامرئی میان اساتید از خلال جلسات دفاع که به‌واسطه آشنایی و شناخت شخصی من با آنها و طی مصاحبه و گفتگو با آنها به‌دست آمده است و ۳. داده‌هایی که حاصل مصاحبه‌های من با اساتیدی است که تجربه حضور در جلسات دفاع را دارند. علاوه بر اینها از داده‌ها و نتایج سایر پژوهش‌ها نیز استفاده شده است. از نظر روش‌شناسی در نهایت می‌توان گفت مبنای نهایی کار من، روش‌های مردم‌نگاری و مشاهده مشارکتی در میدان جلسات دفاع از رساله بوده است.

۴. بسترهای کلان آیین تشریف آکادمیک: جامعه ایرانی و جامعه دانشگاهی

گسترده شدن آموزش عالی از دهه هفتاد و تبدیل دانشگاه ایرانی به یک دانشگاه توده‌ای و فراگیر و مهم‌تر از همه تأسیس دانشگاه‌های آزاد و پیام نور، (مردیها و پاک‌نیا، ۱۳۹۶) سبب شد دانشگاه به‌مثابه یک بنگاه اعطای منزلت در جامعه ایرانی وجهه دیگری پیدا کند و به یک سایبان برای بسیاری از وجوه زندگی ما بدل شود (کاظمی، ۱۳۹۶). جمعیت زیادی از متقاضیان ورود به دانشگاه از دهه هفتاد در نیمه‌های دهه هشتاد، وارد مقطع‌های کارشناسی دانشگاه و متقاضیان بسیاری وارد تحصیلات تکمیلی شدند و جستجوی مدرک دکتری به یک رویه‌ای بسیار دست‌یافتنی برای ارتقای منزلت در جامعه ایرانی تبدیل شد (صمیم، ۱۳۹۶). دانشگاه‌های دولتی همچنان در نیمه‌های طیف دانشگاه توده و دانشگاه نخبه، معیارهایی حداقلی در کمیت دانشجویان برای مقطع دکتری گذاشتند؛ اما دانشگاه‌های آزاد و پیام نور، آزاد از هرگونه قاعده و به‌سرعت نور، دست به جذب دانشجویان تحصیلات تکمیلی زدند.

در این میانه اقتصاد دانشجویان تحصیلات تکمیلی اهمیت بسیاری یافت، به‌گونه‌ای که هم‌زمان برای دانشگاه و استادان مقرون‌به‌صرفه بود و به عبارتی سود زیادی در برداشت؛ هر دانشجوی دکتری، برحسب موقعیت و رتبه استاد راهنما، ۵ الی ۱۵ میلیون تومان ارزش داشت و برای مشاوران حدود ده الی بیست درصد این مبلغ و برای استادان داور، در حدود پنج درصد این مبلغ را آورده داشت؛ که البته خودش انگیزه‌ای بسیار مهم برای استادان راهنما بود. در کنار این سود مادی مستقیم، سودهای غیرمستقیم مادی و غیرمادی دیگری هم بود که در قالب مقاله و گاه کتاب منتشرشده از دل رساله رخ می‌داد. دانشجوی دکتری تبدیل به یک گنج بی‌رنج شد. در این منطق بود که گروه‌های دانشگاهی، در بسیاری از موارد یک قانون نانوشته انحصارطلبانه را وضع کردند؛ استادان راهنما و مشاور صرفاً باید از درون گروه باشند (البته این قاعده عموماً محدود به استاد راهنما شد). گروه‌های آموزشی، تبدیل به جزایر ممنوعه‌ای شدند که منافع مادی و غیرمادی رساله‌ها باید و صرفاً بین خودشان تنظیم شود. در اینجا بود که به‌واسطه تمرکز و انباشت بالای منابع مادی و غیرمادی حول دانشجویان تحصیلات تکمیلی، نوعی قبیله‌گرایی دانشگاهی (Becher&Trowler, 2001) در گروه‌های علمی در ایران رواج یافت.

این قبایل نوین دانشگاهی، منطق اجتماعی و فرهنگی خاصی را بر جامعه دانشگاه و نسل جدید و تازه‌وارد آن و در مسئله تولید علمی و تربیت نسل جدید عالمان حاکم کرد. دانشجویها مجبور بودند از میان حاکمان این دژهای بسته (گروه‌های آموزشی خودشان) استاد راهنما انتخاب کنند و گاه یک یا دو ترم باید در نوبت ویزیت استادان بالقوه برای راهنمایی بمانند. البته برخی استادان که موقعیت سیاسی یا روابطی قوی با اعضای گروه مذکور داشته باشند و گاه در موارد استثنایی، مرجعیت علمی بسیار بالایی داشته باشند، امکان ورود موضعی به این دژها را دارند؛ اما منطق اصلی و کلی قضیه آن است که کسی از غریبه‌ها (بیرون از گروه آموزشی

مذکور) حق ورود به این جزیره را ندارد. به همین سبب مجموعه‌ای از قوانین نانوشته و نوشته شده هستند که این مرزهای قبیله‌ای را تضمین می‌کنند، اینکه استاد راهنما باید از داخل باشد یا اینکه استاد راهنما به‌نوعی مالک معنوی پایان‌نامه است و دانشجو بدون اجازه او یا دانشگاه حق انتشار پایان‌نامه‌اش را ندارد، بخش‌هایی از قوانین رسمی و غیر رسمی‌ای هستند که این قبیله‌گرایی را تثبیت کرده و بازتولید می‌کنند.

در میانه این منافع بسیار، فضای دانشجویی نیز مؤلفه‌هایی دارد که این میدان را پیچیده‌تر می‌کند. دانشجویان، عموماً به‌دنبال آن هستند که مقطع موردنظر را هرچه زودتر تکمیل کنند و وارد مرحله بعد زندگانی خودشان بشوند. دانشجویهای دکتری هرچه زودتر می‌خواهند دفاع کنند و شغل موردنظرشان (که عموماً هم عاشق استاد شدن هستند) را پیدا کنند. به‌هرحال از فردای دفاع، رسماً دکتر یا کارشناس ارشد خطاب می‌شوند و موقعیت شغلی و حرفه‌ای و منزلتی بالاتری پیدا می‌کنند. استادان نیاز به ارتقا و افزایش سرمایه بوروکراتیک یا علمی خود دارند، زیرا منزلت و قدرت یک استاد دقیقاً به‌واسطه میزان سرمایه‌های انباشت شده او در سازمان بوروکراتیک دانشگاه (به‌واسطه پست‌هایی که داشته و دارد) و سرمایه نمادین و فرهنگی او در سنت علمی و روشنفکری (به‌واسطه اعتبار علمی و فکری خودش در اجتماع علمی و حوزه عمومی) تعیین می‌شود (ر.ک: بوردیو، ۱۳۹۶). لذا استادان هم از نردبان دانشجویان بالا می‌روند و از این نمط برای خود کلاهی می‌سازند. مقالات آنها، سرمایه ارتقا می‌شود و روابط بعدی آنها راهی برای افزایش سرمایه اجتماعی و بوروکراتیک. یک ضرورت ایجاد می‌شود: نیاز به رهایی هرچه سریع‌تر از دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشجوها و نیاز به رساله گرفتن‌های هرچه بیشتر به‌وسیله استادان. اولی فرصت کافی برای تعمق و تأمل متمرکز در رساله را ندارد، دومی هم فرصت کافی برای راهنمایی و نظارت بر کیفیت را ندارد؛ هر دو وقت کافی ندارند، باید سریع‌تر کار به پایان برسد. در کنار آن باید اقلیتی از دانشجویان و استادان را دید که عمیقاً و واقعاً کار علمی حرفه‌ای می‌کنند و تز را به مفهوم اولویت درجه‌یک زندگی‌شان دنبال می‌کنند. اینها معدودی هستند که فعلاً موضوع اصلی این مقاله نیستند، اکثریتی که منتظر عبور سریع از مقطع تحصیلات تکمیلی‌اند، اهمیت دارند.

۵. وضعیت رساله‌نویسی: قصه پر غصه بازی علم در ایران

مطالعات موجود بیانگر وضعیت نامطلوب پایان‌نامه هم از حیث انتخاب موضوع و هم از حیث نحوه کار و کیفیت کار علمی و هم از حیث نوع و نحوه نظارت اساتید هستند. عرب و زنجیرچی (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای مفصلاً وضعیت موجود پایان‌نامه‌ها را از نظر اساتید این‌گونه بیان کرده‌اند: انتخاب نامناسب موضوع، فقدان مسئولیت‌پذیری اجتماعی، فقدان تقاضا، صرف انرژی بسیار در جمع‌آوری داده به جای تولید علم (۹۰ درصد انرژی دانشجو صرف داده‌ها می‌شود)، مدرک‌گرایی، فقدان شاگردپروری و تحویل کار بی‌کیفیت. در نتیجه، این محققان نیز بر خصیصه نهایی پایان‌نامه‌ها، یعنی بی‌کیفیت بودن آنها صحنه گذاشته‌اند. نگهبان، جاویدی و آهنچیان (۱۳۹۳) بر این نظرند که یکی از دلایل ناکارآمدی پژوهش‌های انجام شده در حل مسائل بومی کشور، مربوط به این نکته است که اولاً، موضوعات مورد مطالعه آنها غالباً برخاسته از مسائلی نیست که جامعه ما مبتلا به آن است؛ ثانیاً، روش‌های پژوهشی مورد استفاده آنها اطلاعات عمیقی را در اختیار محققان و کاربران آن قرار نمی‌دهد. از آنجاکه پایان‌نامه در آخر هر دوره تحصیلی انجام می‌شود و دانشجویان در تکاپوی شرکت در آزمون ورودی دوره بعد هستند، در بسیاری از موارد، پایان‌نامه‌ها تحت تأثیر تعجیل و بی‌رغبتی دانشجویان قرار می‌گیرد. در اکثر پایان‌نامه‌های انجام شده با مسئله‌سازی (یا مسئله‌بافی به تعبیری دیگر) در پژوهش مواجه هستیم. درحالی‌که تحقیق و پژوهش برای یافتن حقیقت و امری مجهول است. غلامی‌نژاد و قبول (۱۳۸۶) در آسیب‌شناسی پایان‌نامه‌های زبان و ادبیات فارسی باتوجه به ایده پژوهش اصیل و خلاقانه، معتقدند که این اصل مهم در ۳۴۵۰ پایان‌نامه‌ای که بررسی کرده‌اند،

وجود ندارد (همچنین ر.ک: فتاحی، ۱۳۹۱). ایده اصلی امامی میبیدی و کمالی (۱۳۸۶) و نیلی و نصر و اکبری (۱۳۸۶) آنست که بحران پایان‌نامه در ایران به این دلیل است که «استادان و دانشجویان به وظایف خود به‌خوبی آشنایی ندارند یا به آنها عمل نمی‌کنند».

نتیجه این وضعیت پایان‌نامه‌نویسی در ایران آنست که با وجود آنکه پایان‌نامه‌ها ظاهراً بخشی از مهم‌ترین تولیدات علمی دانشگاهی هستند، اما عملاً در چرخه تولید علمی اجتماع علمی، کمترین نقش را دارند. مکی‌زاده (۱۳۸۷) در این کارش نشان می‌دهد که در نهایت ۶/۸۳ درصد پایان‌نامه‌ها در چرخه استنادی رساله‌های بعدی وارد می‌شوند و مابقی استنادها به کتاب و مقاله است. پورحقانی و افشار و چشمه سهرابی (۱۳۹۲) در یک تحقیق به‌خوبی نشان داده‌اند بخش اعظمی از استنادها یا در کتابخانه‌ها موجود نبوده‌اند یا اینکه در مورد منابع انگلیسی بیشتر آنها در ایران به اشکال مختلف در دسترس نیستند. درخصوص روند درونی جلسات دفاع هم محققانی پژوهش کرده و نشان داده‌اند که در درون این جلسات نیز مناسبات غیرعلمی اهمیتی محوری دارند. فیضی و گرامی‌پور (۱۳۹۰) در مقاله خودشان نیز نشان داده‌اند که عملاً ارزیابی پایان‌نامه‌ها یک رویه شخصی و در اختیار خود اساتید است. نکته مهم، شفاف نبودن این معیارها و شخصی بودن آنها و بی‌کفایتی علمی آنهاست که عملاً جلسات دفاع و ارزیابی را به یک امر سلیقه‌ای در اختیار اساتید بدل کرده است. در زمینه نحوه تعاملات درونی جلسات دفاعیه، زارعی‌فرد و رضایی (۱۳۹۴) نشان داده‌اند که جلسات دفاع بیش از آنکه یک استراتژی مباحثه یا جدل بر سر حقیقت علمی باشد، از طریق مجموعه‌ای از مکانیسم‌های شخصی، هویتی و جنسیتی و در بستر و بافت خاص خودش به‌صورت یک منظومه تعاملی بین افراد شکل می‌گیرد، تعاملی که درنهایت به دنبال ایجاد تنش یا نقد جدی و نفی کار رساله (که همه اینها کنش‌های نامرچج در این فضا تعریف می‌شوند) نیستند.

در مجموع می‌توان گفت که مطالعات موجود نیز بیانگر آنست که جلسات دفاع را نمی‌توان بر طبق موازین هنجاری علم و اجتماع علمی فهمید. بلکه در عمل این جلسات نیز انعکاسی از مناسبات غیرعلمی و معیارهای ذهنی و مبهم بین اساتید در فضاهای دانشگاهی هستند. از سوی دیگر شرایط و کیفیت این جلسات نیز نشان می‌دهد که جامعه دانشگاهی ایران و روند تولید علمی در آن را نمی‌توان یک فرایند سرزنده و پویا دانست، بلکه عمیقاً آغشته به کاستی‌های ناشی از محیط دانشگاه، کم‌کاری اساتید و کمبود مهارت‌های دانشجویان و ضعف در بینش علمی آنان است.

۶. هنجارهای فرهنگی آیین تشریف جلسات دفاع

در آیین تشریف جلسات دفاع قاعده‌تاً باید قواعدی باشند که تداوم این فرهنگ و کارکردهای آن را تضمین کنند. این قواعد و هنجارها درنهایت نتیجه بازی منزلت و علم را در آیین دفاع از رساله تعیین می‌کنند. مهم‌ترین قاعده بنیادین شکل‌گیری هر جلسه دفاع عبارت‌اند از اینکه هر رساله‌ای موفقیتش تضمین شده است. اصولاً رساله‌ای رد نمی‌شود؛ رد شدن یک رساله در جامعه دانشگاهی ما، به‌معنای بی‌کفایتی استاد و دانشجو و دانشگاه است. لذا رد شدن - مگر در موارد استثنایی نزدیک به محال - رخ نمی‌دهد. رد شدن به‌مثابه یک فاجعه است که کسی مسئولیت آن را بر عهده نمی‌گیرد؛ نه دانشجو، نه استادان راهنما و مشاور و نه داوران. به تعبیری می‌توان گفت رد شدن یک رساله دکتری، به‌طور نمادین به‌مثابه یک جنایت است، کسی مسئولیت آن را بر عهده نمی‌گیرد. به همین سبب اصولاً رساله‌ای رد نمی‌شود. در یکی از موارد شاهد رساله‌ای بودم که داور موارد زیادی از تقلب علمی در رساله را پیدا کرده بود، اما درنهایت به دانشجو مهلت دادند که برود این تقلب‌ها را اصلاح کند و بیاورد.

این سناریوی هزارتو، در صحنه نهایی نمایش خودش را نمایش می‌دهد: در جلسه دفاع. رساله‌ها یا در به‌به و چه‌چه دفاع می‌شوند یا اگر هم نقد جدی شوند، بازهم نتیجه یکی است؛ با درجه عالی و نمره‌های در میان ۱۷,۵ الی ۱۹,۵ مورد تأیید قرار می‌گیرند. عملاً

رساله‌ای که زیر این شرایط باشد، به‌ندرت می‌توان یافت. نمایشی بودن فرایند دفاع در نمره نهایی دیده می‌شود. عرف و اخلاق عرفی میان استادان دانشگاهی، میان استادان و دانشجویان و میان استاد-دانشجو و نظام دانشگاهی به‌گونه‌ای است که رد کردن رساله را ناممکن کرده و آن را به‌مثابه یک سقط‌جنین غیرقانونی می‌داند که یک جنایت است. جلسات دفاعیه در واقعیت خودشان، یک صحنه نمایشی پیچیده و چندلایه هستند؛ ترکیبی از مؤلفه‌های دوگانه زیر؛

تعارف / صراحت؛ بین همه افراد حاضر در جلسه دفاع؛

تعریف و تمجید / نقد و داوری؛ نسبت به محتوای رساله و عملکرد استاد راهنما و دانشجو؛

رفاقت / عداوت؛ بین استادان و گاه نیز نسبت به دانشجو؛

حمایت از رساله / دشمنی با آن؛

تأیید / رد؛ معطوف به کل رساله.

کار استادان راهنما، مشاور و داور در میان این دوگانه‌ها شکل می‌گیرد و عمل می‌کند و ترکیب‌های بسیار پیچیده‌ای خلق می‌شود. هرچند در دوگانه آخر (تأیید / رد) عموماً و اکثریت قریب‌به‌اتفاق موارد، تأیید رخ می‌دهد، اما در سایر موارد معمولاً ترکیبی پیچیده از تعریف و نقد در میانه تعارفات و صراحت‌ها و مبتنی بر پیشینه‌ای از رفاقت‌ها عداوت رخ می‌دهد. در برخی موارد دانشجویان حاضر در جلسه از من می‌پرسیدند که داوران، عملاً کار را رد کردند، اما چه شد که نه‌تنها تأیید شد بلکه نمره عالی را هم گرفت. پاسخ آنست که در جلسه ممکن است نقدهای خیلی بنیادین مطرح شود، نقدهایی که کفایت لازم برای رد کار را دارند، اما در فضای جلسه، نقدها وزن و چگالی کمتری نسبت به تعارفات و مناسبات دوستانه میان استادان دارد. لذا ترکیب نقد کردن و رد کردن، هیچ‌وقت نمی‌تواند به‌واسطه نفوذ و تأثیر تعارفات، رفاقت‌ها و حمایت‌ها شکل بگیرد و درنهایت مؤلفه‌های تعارفات، رفاقت و تأیید بیشترین وزن و چگالی را در فضای جلسه دفاع دارند.

۷. پیشینه روابط بین‌فردی اعضای جلسه دفاع: در میانه ریشه‌ها و آینده‌ها

جلسه دفاع، پایان یک نمایش نیست، بلکه در میانه راه قرار دارد: یک سابقه و تاریخی از روابط و همبستگی‌ها در میان کنشگران اصلی نمایش دفاع هست، بین دانشجو و استادان و بین خود استادان. ضمن آنکه این سابقه در شکل تعریف یا نقد در لفافه‌ای از تعارفات و صراحت‌ها متجلی شده و درنهایت مبتنی بر ذهنیت رفاقت میان اساتید یا گاه عداوت بین آن‌ها که ریشه‌های قبلی دارد، جهت اصلی خودش را به سمت آینده‌های ممکن تعیین می‌کند. مکانیسم‌های نهاد دانشگاه هم به‌گونه‌ای است که اصولاً اجازه نمی‌دهد استادانی که تقابل‌های جدی بین آن‌ها وجود دارد در نقش راهنما و داور بر سر یک رساله ظاهر شوند. جز در موارد استثنا که استادانی به‌عنوان راهنما و داور در یک رابطه کینه و دشمنی و تضاد با هم باشند و در یک جلسه دفاع قرار بگیرند، در عموم موارد استادان داور در میان پیشنهادهای استاد راهنما انتخاب می‌شوند، لذا اصولاً ترکیب استادان در یک جلسه دفاع، یک ترکیب همسو و هم‌جهت و هم‌راستاست. این نوع ترکیب، اصولاً وزن بیشتری به رفاقت‌ها و تعارفات در فضای تعاملات جلسه دفاع می‌دهد.

یک قاعده نانوشته در میان هست: نقد دانشجو به‌معنای نقد استاد راهنما و مشاور هم هست. لذا یک استاد داور در جلسه دفاع از رساله ارشد برای اینکه از این تقابل سهمگین خارج شود، استراتژی جالبی را در پیش گرفت. او ابتدا در لفافه‌ای از تعارفات و رفاقت‌ها، بین جناح مقابل تشکیک ایجاد کرد: ابتدا به اهمیت و منزلت استاد راهنما و همچنین مشاوران اشاره کرد، سپس با تأکید بر اینکه فارغ از اهمیت این استادان، دانشجو هم باید علاوه بر تزنویسی، قابلیت کافی برای استفاده از این معادن علم و دانش را می‌داشت. نقدهای اساسی خودش را بیان کرد. از نظر داور، نقدهای داور راهی برای تکمیل و کمکی به دانشجو برای استفاده از استادان راهنما

و مشاور است. پس از این بازی زبانی، داور می‌تواند از میانهٔ مواجهه با رفقای هیئت علمی خلاص شود و صرفاً با دانشجو مواجه شود. به همین دلیل تعریف و تمجید از استاد راهنما و مشاور، گامی است برای مصاف تنها با دانشجو و نقد صریح او. داوری نقش سختی است در این نمایش دفاعیه‌های رسالهٔ دکتری. داور در مقام منتقد در جامعهٔ ما می‌بایست کاستی‌های رساله و خطاهای آن را آشکار کند. درحالی‌که دانشجو، راهنما و مشاور همه‌وهمه از کار تعریف می‌کنند، نقدهای داور به‌مثابهٔ محل این لذت و آرامش و شغف ناشی از اتمام رساله است. به تعبیر یکی از استادان، نقش داور در جلسهٔ دفاع، شبیه نقش شمر در تعزیه است که باید نقش بدترین و شقی‌ترین آدم را بازی کند، ولی همه می‌دانند این نقشی است که او بازی می‌کند، تا تعزیه به‌طور کامل اجرا شود.

۸. خطرناک شدن بازی: دانشجو در مقام متهم و قربانی

اما بازهم این نمایش آیینی جلسهٔ دفاع به‌سادگی پیش نمی‌رود؛ اگر فضا به سمت نقد جدی برود و همه ببینند که دانشجو خطاهای زیادی کرده است، ناگهان استادان مشاور هم به خیل داوران می‌پیوندند؛ تا به‌گونه‌ای در یک نقد همسو با نقدهای داور، دانشجو را متهم اصلی این ماجرا بکنند. البته این در حالی است که کم‌کاری استادان راهنما و مشاور به‌واسطهٔ نقد استاد داور آشکار بشود؛ زیرا نقدها گاه آن قدر ابتدایی هستند که دانشجو و استادان راهنما و مشاور به‌طور بدیهی باید آن را انجام می‌دادند. وقتی تز دکتری مشکل ارجاع‌دهی دارد، مشکل امانت‌داری علمی دارد، حتی مشکل ابتدایی طرح مسئله و سؤال تحقیق دارد، این بدان معناست که استادان راهنما و مشاور به دلیل کثرت مشاوره‌ها و راهنمایی‌ها و کثرت مشاغل، فرصت خواندن رساله را نداشته‌اند و کار را نخوانده به جلسه دفاع فرستاده‌اند. برخی از استادان، اصولاً راهنمایی و مشاوره را به چند جلسهٔ گفتگو با دانشجو و نگاهی خیلی کلی و اجمالی به کار او تقلیل داده‌اند. همین که چندصد صفحه ورق‌پاره توسط دانشجو به‌عنوان رساله به آن‌ها تحویل داده شود، کار تمام است، برود برای دفاع.

اما وقتی نقدها به موقعیتی می‌رسد که مشخص می‌شود کسی کارش را درست انجام نداده و استادان راهنما و مشاور در فضایی از بی‌توجهی مبتنی بر اخلاق غیرحرفه‌ای و نفع‌طلبی‌های شخصی آن رساله را تأیید کرده‌اند، نقدها به یک خشونت نمادین و افشاگر تبدیل می‌شوند؛ افشای رعایت نکردن اخلاق علمی و قواعد پژوهشی توسط استادان راهنما و مشاور و دانشجو. تهدیدی برای حیثیت همه. در این افشاگری است که ما شاهد یک تقابل جدی و جنگ زبانی و نمادین دیگر خواهیم بود؛ خشونت نمادین در نقدهای جدی، در مقابلش یک تعصب نمادین از جانب استاد راهنما و دانشجو بر سرکار شکل می‌گیرد. نزاع بین نقدهای افشاگرانه و تعصبات نمادین به پایان‌نامه، در میانه‌ای از جنگ منزلت (جایگاه و موقعیت استاد راهنما و مشاور و دانشجو و داور)، جنگ خاطره‌ها (جلسات قبلی که نقش‌های راهنما و مشاور و داور بین همین استادان متفاوت بوده و گاه یک بده‌بستان رفاقتی بوده و گاه یک تسویه‌حساب) و جنگ خطابه و اقناع (چه کسی بتواند دیگری را ساکت کند و نقدهایی جدی مطرح کند یا نقدهای وارده را پاسخ دهد، مسئله بر سر قدرت اقناع است که استادان و دانشجویان خوش‌زبان، معمولاً از این حربه خیلی خوب استفاده می‌کنند) هیاهوی خودش را به پا می‌کند. اینجاست که سرمایه‌های اجتماعی و نمادین اساتید، قدرت اقناع‌گری آنها و ... وارد عمل می‌شود اصولاً جدی‌ترین نقدهای یک استادیار نمی‌تواند در موقعیت و منزلت یک استادتمام که راهنما هم هست، دوام بیاورد. به همین دلیل جلسات دفاع، در شدیدترین انتقادات، به‌واسطهٔ دو مکانیسم یا استراتژی تغییر ماهیت داده و به تعبیری تهدید نقدهای جدی و بنیادین را به فرصتی بدل می‌کنند. یک استراتژی، بازسازی حیثیت استادان راهنماست که عملاً گناه خطاهای آشکار شده را بر گردن دانشجوی حرف‌گوش نکن و تنبل و بی‌دقت می‌اندازند و استراتژی دوم، در تعبیری خلاقانه و نرم از نقدها، به‌عنوان فرصت آموزش و یادگیری و بهینه‌کردن کار به‌وسیلهٔ دانشجو است. درنهایت استادان خودشان را تبرئه می‌کنند تا فرصتی برای دانشجو و اعادهٔ حیثیت خودشان فراهم کنند و

با تعبیری آموزشی و فرصت یادگیری از نقدها برای دانشجو، عملاً تیغ تندوتیز نقدها را به حرف‌های نرمی بدل می‌کند که نمی‌تواند پل جلسه دفاع برای عبور از رساله‌نویسی را تخریب کند و در نهایت تأیید شدن رساله را بشرط‌ها و شروطها تضمین می‌کند. برای جلوگیری از رد شدن رساله، در یک عمل نمایشی، دانشجو قربانی شده و شخصیت و هویتش به‌طور مقطعی به تعلیق درمی‌آید، اما همه اینها نمایشی است برای جلوگیری از رد شدن واقعی رساله. دانشجو لحظه‌ای قربانی می‌شود تا کار جلو برود و جلسه دفاع به نتیجه تأیید رساله برسد. همه اینها بر یک قاعده شکل گرفته‌اند، تنها امر جدی جلسه دفاع، تأیید شدن است. هیچ امر جدی دیگری وجود ندارد، نه نقد، نه تعریف. برای همین نه کارهای بسیار ضعیف ترها، نقد و رد می‌شوند و نه کارهای بسیار عالی و قوی ترها، برجسته‌شده و قدر آنها دانسته می‌شود. مسئله یک چیز است: تأیید شدن و موفقیت‌آمیز بودن جلسه دفاع. این مبتنی بر مجموعه‌ای از مناسبات قدرت و منزلت است که در نهایت زمینه تحقق تنها امر جدی جلسات دفاع را فراهم می‌کند.

جلسه دفاع همیشه جلسه‌ای است برای بر ساخت یک شبکه اجتماعی یا تغییر آن شبکه اجتماعی. فضایی است برای بر ساخت مناسبات آینده. بهترین داور، داوری است که کار را خیلی دقیق بخواند، نقدهای جدی کند، حرمت استاد راهنما و مشاور را کاملاً از ضعف‌های رساله مبرا کند و نهایتاً مهم‌ترین متهم‌اش دانشجو باشد و در آخر هم رأی به تأیید رساله برحسب نظر راهنما و نمره مورد نظر او بدهد. این داور خوب است، چون او نقش شمر را بازی کرده است، اما در تعزیه‌ای که در نهایت سر کسی بریده نمی‌شود، همه‌اش یک نمایش است از کهن‌الگوی یک بازی نقد علمی و افشای دروغین یک حقیقت. درحالی‌که در این تعزیه علم، نه شمر، همان شمر سنگدل است و نه امام حسین و حضرت عباسش، همان امام معصوم و برادر بزرگوارش هستند. همه نقش بازی می‌کنند، تا نانی در آید و منزلتی برای کسانی کسب شود.

۹. عاملیت چندگانه در جلسه دفاع رساله

شاید به نظر برسد جلسه دفاع به مثابه آیین گذار، به‌گونه‌ای است که عاملیت اصلی در دست استادان است و دانشجو هم قربانی این میدان است؛ اما باید دقت کرد، دانشجوها زیرک‌تر از آن هستند که تمام نقش‌ها و عاملیت‌ها را به‌صورت منفعلانه در خدمت این میدان و این صحنه نمایش قرار بدهند. عاملیت دانشجو در حاشیه عاملیت استادان و با مکانیسم‌های خاص خودش جریان دارد. او در دو سطح از موقعیت دانشجویی خوب استفاده می‌کند؛ در جایگاه یک دانشجوی تحصیلات تکمیلی، وجود حقوقی او، منافع و آثار متعددی را برای استادان راهنما و مشاور مترتب کرده است، منافع مالی، تألیف دو مقاله، و ... لذا او به‌خوبی از این نقش آگاه است، می‌داند که راهنما و مشاور موظف هستند از او دفاع کنند، دفاعیه با مسئولیت‌پذیری علمی و اخلاقی این استادان اجازه برپایی خواهند داشت.

اما در جایگاه حقیقی خودش، نوع تعامل او با استادان و نحوه بلاغت او در جلسه دفاع، به‌گونه‌ای است که وقتی نقدها جدی شود، یا باید آن قدر زرنگ باشد که استادان راهنما و مشاور را سپر بلای خودش قرار بدهد، یا اینکه در شرایط بحرانی، وقتی که آن‌ها از مسئولیت خودشان طفره برونند، باید نقش قربانی را بر عهده بگیرد تا به‌واسطه همین بر عهده گرفتن نقش قربانی، بتواند به‌واسطه ایجاد تصویری مظلومانه از خودش، حس ترحم استادان را برانگیزد که بیش از این مجازاتش نکنند؛ اما معمولاً دانشجوها در جلسه دفاع، در پشت استادان راهنما و مشاور پناه می‌گیرند و همه تعاملات در ترکیبی از موقعیت حقوقی و حقیقی دانشجو، امکان‌هایی برای رسیدن هرچه سریع‌تر به منزلت بالاتر یعنی تأیید شدن جلسه دفاع را فراهم می‌کند.

۱۰. نتیجه‌گیری: جدیت‌زدایی از امر علمی در آیین‌های تشریف دانشگاهی

جلسه دفاع به تعبیری یک آیین گذار است، در آیین گذار می‌توان خصلت‌های بنیادی و قهرمانان و اساطیر و نمادهای کلیدی اجتماع علمی دانشگاهی را دید. از این رو سعی کردم در این مقاله آنچه در این آیین گذار شاهد بودم را روایت کنم تا از این طریق راهی برای فهم منطق بنیادین فرهنگ اجتماع علمی و دیپارتمان‌های دانشگاهی ایجاد کنم. در این میان امر جدی، روح علمی و اخلاق علمی نیست، مسئله در منظومه‌ای از مناسبات انسانی و ملاحظات ناشی از آن قرار می‌گیرد که اقتدار اجتماع علمی در آن برای فرد بازتولید می‌شود، اما اجتماعی علمی که جدی‌ترین عنصرش، نه کشف و فرضیه و نظریه و مفهوم علمی، بلکه ملاحظات و مناسبات شخصی استادان و مواجهه خلاقانه دانشجویان با این مناسبات برای حل بحران جلسه دفاع و گذار آسان‌تر از آن است. در نهایت جلسه دفاع به یک میدان در مفهوم بوردیویی آن تبدیل می‌شود: نزاع میان سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و نمادین استادان راهنما، مشاور و داور و دانشجو. این ماتریس پیچیده از نیروها و سرمایه‌ها، در نهایت به نفع دانشجو خواهند بود. میدان دانشگاه به دلیل یک‌سری از کلیشه‌های رایج در فضای دانشگاهی و خرده‌فرهنگ جلسات دفاع، رد شدن رساله و تز را ناممکن کرده است، همیشه دفاعیه‌ها را همانند فیلم فارسی‌ها، به نمایشی مفرح و شادی‌آور مبدل خواهند کرد که شادی آن، همان لحظه پایانی فیلم گذار از جلسه دفاع و پایان خوش تعزیه دانشگاهی است که استاد راهنما بیانیه نهایی را خوانده و اعلام نمره و درجه عالی یا بسیار خوب کرده و اصلاحات را به نظارت استادان راهنما و مشاور و داور حواله داده و بعد هم همه تشویق می‌کنند و تبریک می‌گویند و شادباشی و شادخواری با شیرینی و نسکافه و چای می‌کنند. اتفاقاً همین حال‌وهوای آخر جلسه است که نشان می‌دهد جلسه تمام شده است. به ندرت داوری هست که داوری‌اش را دنبال کرده باشد و نقدهایش را مطالبه کرده باشد. لذا با همه نقدهای بنیان‌برافکنانه، در نهایت دفاع تمام می‌شود، یک دانشجو به مقام کارشناسی ارشد یا دکتری نائل می‌گردد. می‌توان تمام نظام دانشگاهی را از خلال جلسات دفاع به مثابه آیین گذار و سیاه‌بازی دفاعیه‌ها مورد تحلیل انتقادی قرار داد؛ اما این جعبه سیاه نظام آموزش عالی، تا اطلاع ثانوی بسته خواهد ماند، زیرا نه سیستمی هست که بتواند کاستی‌های آموزش مهارت‌های اولیه علمی و دانشگاهی را جبران کند و نه سیستمی هست که خطاها، تقلب‌ها و نواقص را ارزیابی کرده و آن‌ها را به واسطه مکانیسم‌های مختلف، ترمیم و در صورت لازم تنبیه کند. به همین دلیل در بسیاری از موارد، صحنه نمایش علم در ایران، بیش از آنکه یک کنش عمیق و جدی در کنشگران آن باشد، یک بازی و نمایش تهی و میانمایه است که نه بازیگر به عظمت و اهمیت آن اعتقادی دارد و نه کارگردان و نه مخاطب. این نمایش‌های تهی در نهایت باری بر دوش اندک اقلیت عالمان و دانشجویان واقعی خواهند بود که از صدقه‌سر این اقلیت، آن اکثریت شبه‌کارمندان نهاد علم نانشان را از قبل آن‌ها می‌خورند.

۱۰. منابع

- احمدزاده، سعادت (۱۳۸۴). «تحلیل استنادی مآخذ پایان‌نامه‌های دکتری معماری و شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا» در فصلنامه کتاب، شماره ۶۲، سال ۱۳۸۴، صص ۳۳-۴۸.
- افروغ، عماد (۱۳۹۵). *ارزیابی انتقادی نهاد علم در ایران*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اکرمی، موسی (۱۳۹۶). *مسئله علم در ایران*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- امامی میبیدی، علی و کمالی دهکردی، پروانه (۱۳۸۶). «نقش آفرینان در نگارش پایان‌نامه‌های دانشجویی» در مجله سیاسی اقتصادی، شماره ۱۴۵ و ۱۴۶؛ صص ۲۳۸-۲۴۳.

- ایمان‌پور، محمدتقی، ناظری، محمدرضا (۱۳۹۵). «سبب‌شناسی عنوان‌گزینی در پژوهش‌های دانشگاهی» در دو فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء، سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۱۷، پیاپی ۱۷۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۵ الی ۳۲.
- بنی‌اقبال، ناهید (۱۳۷۷). «بررسی مجموعه پایان‌نامه‌های دانشگاه تهران» در مجله کتابداری، ۱۳۷۷، دفتر ۲۸ و ۲۹، صص: ۱۵۵-۱۷۰.
- بوردیو، پیر (۱۳۹۶). *انسان آکادمیک*؛ علیرضا کاویانی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پورحقانی، مهسا؛ افشار، ابراهیم؛ چشمه سهرابی، مظفر (۱۳۹۲). «دسترس‌پذیری به کتاب چاپی در کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان: سونامی استناد کاذب در پایان‌نامه‌های تحصیل». پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۳ (۱) صص ۱۹۱-۲۰۶.
- خان دیزیچی، امیرحسین (۱۳۹۰). «رویکردی انتقادی به پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی». مجله راهبرد فرهنگ، شماره چهاردهم و پانزدهم، تابستان و پاییز ۱۳۹۰؛ صص: ۱۱۵ الی ۱۴۰.
- رحمانی، جبار (به کوشش) (۱۳۹۶). *پرسش از دانشگاه ایرانی*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- زارعی فرد، رها؛ و رضایی، مهدی (۱۳۹۴). «جنسیت و ارزیابی در جلسات دفاع از پایان‌نامه» نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال هفتم، شماره دوم، شماره ترتیبی ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ صص ۳۵-۵۶.
- شاپیرو، هارولد تی (۱۳۹۶). *آموزش عالی و جامعه*، شروین مقیمی و شیما شصتی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۷۶). «رژیمی دیدگاه‌های دانشجویان و اعضای هیئت علمی از استاد راهنما و ارائه ویژگی‌های مطلوب» در مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران؛ به کوشش محمد مهدی فرقانی، (۱۳۷۶) جلد دوم؛ انتشارات دانشگاه علامه؛ صص ۴۰۷-۴۲۹.
- صمیم، رضا (۱۳۹۷). *تولید و مصرف فرهنگی در دانشگاه ایرانی*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عرب، سید محمد؛ زنجیرچی، سید محمود (۱۳۹۳). «شناسایی اثرات نامطلوب و ریشه‌های اساسی کاربردی نبودن پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد با رویکرد تئوری محدودیت (مورد مطالعه: دانشگاه یزد)» در مجله مدیریت در دانشگاه اسلامی سال سوم، شماره ۲/۸ پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۷۳-۱۹۹.
- عموزاده، محمد؛ زارعی فرد؛ علی‌نژاد، بتول (۱۳۹۳). «جنسیت و قطع کلام در جلسات پایان‌نامه» در دو ماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۵، شماره ۴ (پیاپی ۲۰) آذر و دی ۱۳۹۳، صص ۱۴۹-۱۷۰.
- غلامی‌نژاد، محمدعلی و قبول، احسان (۱۳۸۶). «سبب‌شناسی پایان‌نامه‌های زبان و ادبیات فارسی» در پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی (گوهر گویا)؛ شماره یک، ۱۳۸۶ صص ۱۸۱-۱۹۲.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۶۹). *علوم‌نسانی و اجتماعی در ایران*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۹۱). «فزایش دانشجویان تحصیلات تکمیلی و مسئله چاپ مقاله‌های برگرفته از پایان‌نامه» در مجله پردازش و مدیریت اطلاعات، دوره ۲۷ شماره ۴ تابستان ۱۳۹۱، ۲۲ ۷۹۹-۸۰۰.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۶). *بوردیو و میدان دانشگاهی* جلد‌های ۱ و ۲. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۶). *دانشگاهی که بود ...*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فیضی، طاهره؛ گرامی‌پور، مسعود (۱۳۹۰). «معیارها و استانداردهای ارزیابی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد» در مجله چشم‌انداز مدیریت دولتی؛ شماره ۶ تابستان ۱۳۹۰؛ صص ۱۱۵-۱۳۴.
- کاظمی، عباس (۱۳۹۷). *دانشگاه: از نردبان تا سایبان*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- کر، کلارک (۱۳۹۶). *کاربردهای دانشگاه، حدادی و گل محمدی*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- گامپورت، پاتریشا (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی آموزش عالی*؛ مرتضی مردیها؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- لوئیس، هری (۱۳۹۶). *نگاهی انتقادی به دانشگاه هاروارد*؛ مرتضی مردیها؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- مارگولیس، اریک (۱۳۹۴). *برنامه درسی پنهان در آموزش عالی*؛ کوروش فتاحی و اجارگاه و مرتضی بازدار؛ تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.

مردیها، مرتضی و پاک‌نیا (۱۳۹۶). *دانشگاه نخبه، دانشگاه توده*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
مکی‌زاده، فاطمه (۱۳۸۷). «*تحلیل استنادی پایان‌نامه‌های رشته جغرافیا (برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و یزد (۱۳۷۶-۱۳۸۴)*» با تأکید بر پایان‌نامه‌های *مورد استناد به عنوان عامل اثرگذار*» در فصلنامه کتاب شماره ۷۶، زمستان ۱۳۸۷، صص ۱۲۵-۱۴۴.
نگهبان، زهره؛ جاویدی، طاهره و آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۳). «*مسئله‌یابی پژوهش؛ ضرورتی انکارناپذیر در پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی*» در عیار پژوهش در علوم انسانی، سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۳ صص ۱۱۷-۱۳۰.
نیلی، محمدرضا؛ نصر، احمدرضا و اکبری، نعمت‌الله (۱۳۸۶). «*بررسی کیفیت راهنمایی پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد*» در دو ماهنامه علمی و پژوهشی دانشگاه شاهد، سال چهاردهم دوره جدید شماره ۲۴، صص ۱۱۱-۱۳۳.
لیاده، میرچا (۱۳۹۵). *آیین‌ها و نمادهای تشریف؛ مانی صالحی علامه، تهران؛ پارسه.*

- Abbas (2017) *University: from Ladder to Canopy*; Tehran: Institute For Cultural and Social Studies. (in Persian)
- Afrough, Emad (2016) *Critical Evaluation of Institution of Science in Iran*, Tehran, Institute for Social and Cultural Studies. (in Persian)
- Ahmadzadeh, Saadat (2005) "Refrencial Analysis of Doctoral Dissertation in Artichectute" *Book Journal*, No. 62, year 2005, pp: 33-48. (in Persian)
- Akrami, Mousa (2017) *Problemm of Science in Iran*, Tehran, Institute for Social and Cultural Studies. (in Persian)
- AmuZadeh, Mohammad; Zarei Fard and Alinejad, Betul (2013). "Gender and speech interruptions in thesis sessions" in the bi-monthly journal of linguistic essays, period 5, number 4 (consecutive 20), December and December 2013, pp. 170-149. (in Persian)
- Arab, Seyed Mohammad; Zanjirchi, Seyed MAhmooud (2014) "Recognizing of negative Effects and non-applicability of MA Dissertaion in Yazd University" in *Journal of Management in Islamic University*, No. 8, Autumn and Winter 2014; pp: 173-199. (in Persian)
- Bani Eqbal, Nahid (1998) "Survey on Dissertations of Tehran University"; *Journal of Librarianship*, 1998, No. 28 &29; pp: 155-177 (in Persian)
- Becher, Tony & Trowler, Paul (2001) *Academic Tribes and Territories*; Open University Press. (in Persian)
- Bourdieu, Pierre (2017) *Homo Academicus*, Alireza Kaviani, Tehran, Institute for Social and Cultural Studies . (in Persian)
- Eliade, Mircha (2015). *Rituals and Symbols of Honor*; Mani Salehi Allameh, Tehran; Parseh. (in Persian)
- Emami meibodi, Ali; KAmali Dehkordi, PArvaneh (2007) "Role Players in Writing of Student Dissertation", *Political-Economic Journal*, No 145 & 146, PP: 238-243. (in Persian)
- Faizi, Tahereh; Gramipour, Massoud (2018). "Criteria and standards for evaluation of master's theses" in the public management perspective magazine; Number 6, summer 2013; pp. 115-134. (in Persian)
- Fakuhi, Nasser (2016) *Bourdieu and the Academic Field*, volumes 1 and 2. Tehran: Institute For Cultural and Social Studies. (in Persian)
- Fakuhi, Nasser (2016) *Which university was...* ;Tehran: Institute For Cultural and Social Studies. (in Persian)
- Fatahi, Rahmatullah (2011) "Increase of graduate students and the issue of publishing articles taken from the thesis" in the *Journal of Information Processing and Management*, Volume 27, Number 4, Summer 2013, 22 799-800. (in Persian)
- Fazli, Nematullah (2016) *Humanities and Social Sciences in Iran*; Tehran: Institute For Cultural and Social Studies. (in Persian)
- Gholaminejad, Mohammad Ali and Ghabool, Ehsan (2006). "Pathology of theses on Persian language and literature" in *Persian language and literature research journal (Gohar Goya)*; Number one, 2006 pp. 181-192. (in Persian)
- Gumport, Patricia (2016) *Sociology of Higher Education*; Morteza Mardiha; Tehran: Institute For Cultural and Social Studies. (in Persian)

- Imanpour, Mohammad Taqi; Nazeri, MohammadReza (2016) "Pathology of Title Selecting in Academic Researches"; in *Bi-Quarterly Journal of Historygraphy and History Perspective* of Al-Zahra University; Year 26, No.17; Series 172, Spring and Summer 2016; pp: 5-32 . (in Persian)
- Kerr, Clark (2016) *University Applications*, Haddadi and Golmohammadi; Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. (in Persian)
- Khan Dizichi, Amirhosein (2011) "Critical Approach to Sociological Dissertaion", *Journal of Culture Strategy*, No. 14 &15; Summer and Autumn 2011; pp: 115-140 . (in Persian)
- Lewis, Harry (2016) *A critical look at Harvard University*; Morteza Mardiha; Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. (in Persian)
- Makizadeh, Fatemeh (2004) "Citation analysis of theses in the field of geography (urban planning in the universities of Tehran, Tarbit Modares and Yazd) (1993-2201) with an emphasis on cited theses as an influencing factor" in *Kitab Quarterly* No. 76, Winter 1387, pp. 125-144. (in Persian)
- Mardiha, Morteza and Paknia, Mahbobeh (2016) *Elite University, Mass University*; Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. (in Persian)
- Margolis, Eric (2014) *Hidden Curriculum in Higher Education*; Korosh Fathi Vajargah and Morteza Bazdar; Tehran: Mehraban Kitab Institute. (in Persian)
- NegahBan, Zohreh; Javidi, Tahira and Ahanchian, Mohammad Reza (2014) "Research problem solving; An undeniable necessity in postgraduate theses" in *Research Criteria in Humanities*, 4th year, 2nd issue, 8 consecutive, spring and summer 2013, pp. 117-130. (in Persian)
- Nili, Mohammadreza; Nasr, Ahmadreza and Akbari, Nematullah (2006) "Assessment of the quality of mentoring of master's degree theses" in the bi-monthly scientific and research journal of Shahid University, 14th year of the new term, number 24, pp. 111-123. (in Persian)
- Pur Haqqani, Mahsa; Afshar, Ebrahim, Cheshmeh Sohrabi, Mozaffar (2013) "Accessing to Printed books in Isfahan University Library: the Sonamy of Fake Refrences in Academic Dissertation"; *Journal of Research in Librarianship and Information*, No.3, 2013, PP: 191-206. (in Persian)
- Rahmani, Jabbar (Ed) (2017) *Questioning from Iranian University*; Tehran, Institute for Social and Cultural Studies . (in Persian)
- Saminm Reza (2018) *Cultural Production and Consumption in Iranian University*; Tehran, Institute for Social and Cultural Studies . (in Persian)
- Shafi Abadi, Abdollah (1997) "Evaluation of Students and Faculty Members` Attitudes about Supervisor and his\her Ideal Characters", in *Volum of the First Seminar on Higher Educaction in Iran*, edited by Mohammad Mehdi Forghani (1977), Vol. 2, Tehran University Publication, pp: 407-429. (in Persian)
- Shapiro, Harold T. (2017) *Higher Education and Society*; Translated by Sehrvin Moqimi and Shima Shasti; Tehran, Institute for Social and Cultural Studies . (in Persian)
- Thesis. Presentation Session*", *Journal of Zari Fard, Raha; Rezaei, Mahdi* (2015) "Gender and Evaluation in Linguistic Research, Seventh Year, No, 2, Serial No. 13, Autumn and Winter 2015, pp: 35-56. (in Persian)